

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام علي الحسين
و علي علي بن الحسين و علي اولاد الحسين و
علي اصحاب الحسين

مقابلان

011.moradi@

دو معنای متنافر که در زمان واحد، از جهت واحد و در محل واحد جمع نمی شوند

مقابلان

متضایان

ضدان

ملکه و عدم ملکه

تقیضان (سلب و ایجاب)



ملکه و عدم ملکه

دو امر وجودی و عدی

اجتماعشان ممکن نیست

ارتفاعشان جایز است در جایی که به
ملکه متصف نباشد

تقیضان

دو امر وجودی و عدی

اجتماعشان ممکن نیست

ارتفاعشان ممکن نیست

واسطه ای هم ندارند

@moradi

011-mora

متضایفان

دو امر وجودی

تعقل یکی متوقف بر تعقل دیگری است

اجتماعشان در موضوع واحد و از جهت واحد ممکن نیست

ارتفاعشان جایز است

ضدان

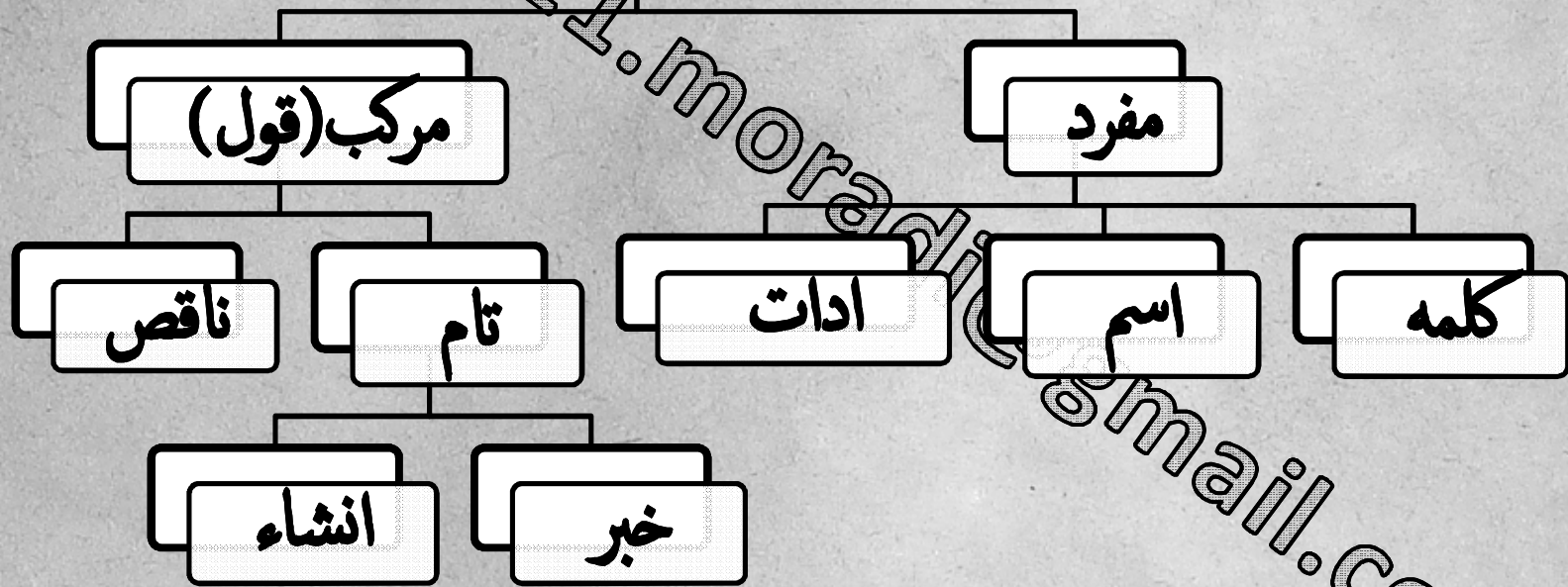
دو امر وجودی

در یک موضوع واحد پشت سر هم بیایند

اجتماعشان در آن موضوع ممکن نیست

تعقل یکی متوقف بر تعقل دیگری نیست

انواع لفظ به طور مطلق



www.moradipour.com
@mail.com

لفظ مفرد

لفظي که داراي جزء نيست يا اگر جزء دارد اين جزء بر جزء معنا
دلالت نمي کند

مانند: کتاب، عبدالله (در جمله: عبدالله آمد)

لفظ مرکب (قول)

لفظي که داراي جزء است و اين جزء بر جزء معنا دلالت مي کند
مانند: دروغ حرام است، عبدالله (در جمله: محمد عبدالله)

مرکب تام

مرکبی است که متکلم برای افاده مقصود به آن اکتفا می کند و می تواند بعد از آن سکوت کند و سخنونده هم منتظر لفظ دیگری نیست (آنچه که سکوت بعد از آن برای متکلم صحیح است)

مرکب ناقص

مرکبی است که متکلم نمی تواند بعد از آن سکوت کند و شنونده هم منتظر ادامه و اتمام کلام است

(آنچه که سکوت بعد از آن برای متکلم صحیح نیست)

اقسام مرکب تام

مرکب تام داراي نسبي تامه است که قائم بر اجزایش می باشد اگر آن نسبت تامه:

1- با چشم پوشي از لفظ داراي حقيقي ثابت باشد که لفظ مرکب از آن حکایت می کند (یعنی داراي حقيقي وراء کلام باشد) ← خبر (قضیه) (قول) گفته می شود که ممکن است کلام با آن مطابق باشد یا نباشد و توصیف آن به صدق و کذب صحیح است

2- با چشم پوشي از لفظ حقيقي ثابت وراء کلام نداشته باشد که کلام بر آن منطبق یا غیر منطبق باشد ← انشاء گفته می شود

اقسام مرکب تام

خبر (قضیه) (قول): مرکب تامی است که حقیقتی وراء کلام ندارد و می توان آن را به صدق و کذب توصیف کرد

انشاء: مرکب تامی است که حقیقتی وراء کلام ندارد و نمی توان آن را به صدق و کذب توصیف کرد

انشاء مانند: امر، نهی، استفهام، ندا، تمنی، تعجب، عقد، ایقاع
برو، نیا، چرا رفتی؟، ای عبدالله، کاش درس می خواندم، چقدر خطرناک است،
خریدم، من بنده ام را آزاد کردم

اقسام مفرد

کلمه: (فعل نحوي) لفظ مفردی است که با ماده اش بر معنای مستقل و با هیئتش بر نسبت تامه زمانی آن معنا به فاعلی غیر معین دلالت می کند

اسم: لفظ مفردی است که با ماده اش بر معنای مستقل دلالت می کند و هیئتی که بر نسبت تامه زمانی دلالت کند، ندارد

ادات: (حرف نحوي) لفظ مفردی است که معنایی غیر مستقل دارد و بر نسبت بین دو طرف دلالت می کند.

اقسام مفرد

ادات

معنای غیر
مستقل دارد و
بر نسبت بین
دو طرف
دلالت می کند

اسم

وهیتی

که بر نسبت
تام زمانی دلالت
کند ندارد

با ماده

بر معنای
مستقل

باهیت

بر نسبت
تام زمانی

با ماده

بر
معنای
مستقل

به فاعل نا معین

آن ماده

اقسام مفرد

ادات

علی
فی
هم

اسم

کاتب
عاقل
جبار

کلمه

یذهب
هیئات
ارسل

مفهوم

خود معناست. همان صورت ذهنی است که از حقیقت اشیاء انتزاع می شود.

مثال: صورت ذهنی معنی حیوان، صورت ذهنی فردی با نام علی

مفهوم جزئی

مفهوم کلی

مصداق

آن چیزی است که مفهوم بر آن منطبق می شود. مصداق حقیقت
شیء است که صورت ذهنی از آن انتزاع شده است

انواع مفهوم

مفهوم جزئی: مفهومی است که بر پیش از یک چیز منطبق نمی شود و لو فرضاً (مفهوم یتتبع صدقه علی کثیر و لو بالفرض)

مفهوم کلی: مفهومی است که بر پیش از یک چیز منطبق می شود و لو فرضاً (مفهوم لا یتتبع صدقه علی کثیر و لو بالفرض)

آیا لازم است افراد مفهوم کلی در خارج بالفعل موجود باشند؟

خیر گاهی ممکن است حتی وجود یک فرد واحد برای مفهوم کلی در خارج
ممتنع باشد مثل مفهوم شریک الباری که این هم کلی بودنش ضرری نمی زند
گاهی هم ممکن است فقط یک فرد واحد داشته باشد و وجود افراد دیگر
برای آن ممنوع باشد مثل مفهوم واجب الوجود. البته عقل می تواند افرادی را
برای این مفاهیم فرض کند و لو در خارج موجود نباشند
مفهوم واجب الوجود اگر جزئی بود تصور مفهومش برای نفی شرک کافی بود
و نیازی به اقامه برهان نداشت

انواع جزئی

جزئی حقیقی: مفهومی است که پیش از یک چیز منطبق نمی

شود

جزئی اضافی: مفهومی که با آنچه دایره اش وسیع تر است مقایسه

می شود و ممکن است حتی کلی باشد (الاخص من شئ)

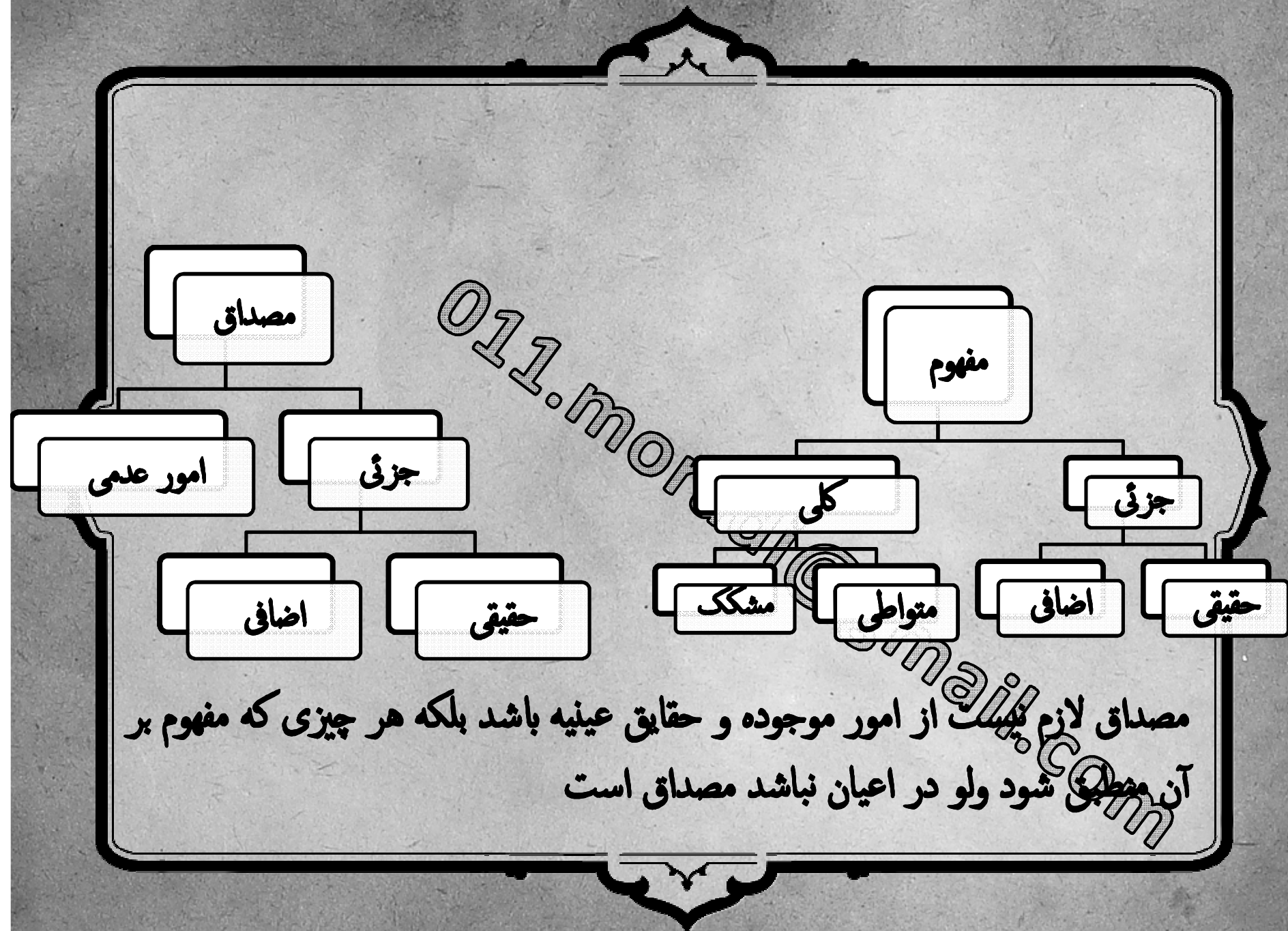
انواع کلی

متواپی: وقتی مفهوم کلی بر افرادش به طور یکسان صدق کند و تفاوت و شدت و ضعفی نداشته باشد (تواطوء یعنی توافق و تساوی)

مثال: انسان

مشکک: وقتی مفهوم کلی بر افرادش به طور متفاوت صدق کند و این تفاوت به خاطر شدت، کثرت، اولویت یا تقدم باشد

مثال: نور که تفاوتش در شدت و ضعف است



مصدق لازم نیست از امور موجوده و حقایق عینیه باشد بلکه هر چیزی که مفهوم بر آن مطبق شود ولو در اعیان نباشد مصداق است

عنوان و معنون

هرگاه به چیزی حکمی نسبت داده شود (هرگاه محمول بر موضوع حمل شود) دو صورت خواهد داشت:

- 1- در حکم فقط به مفهوم موضوع توجه شود یعنی تنها مفهوم موضوع توضیح داده شود به این حمل، حمل اولی گفته می شود
- 2- در حکم به ماوراء مفهوم موضوع توجه شود و مفهوم، حاکی از مصداق و راهنما به سوی او باشد و در محمول، خصوصیات آن مفهوم بیان شود به این حمل، حمل شایع گفته می شود و در این حمل، مفهوم (موضوع)، عنوان و مصداق، معنون نامیده می شود.

حمل اولی

در حکم فقط به مفهوم موضوع توجه شود یعنی تنها مفهوم موضوع توضیح داده شود به این حمل، حمل اولی گفته می شود

انسان حیوان ناطق است

محمول

در اینجا محمول، موضوع را توضیح می دهد و مفهومش را بیان می کند. حیوان ناطق مفهوم انسان است.

حمل شایع

در حکم به ماوراء مفهوم موضوع توجه شود و مفهوم، خارج از مصداق و راهنا به سوی او باشد و در محمول، خصوصیات آن مفهوم بیان شود به این حمل، حمل شایع گفته می شود.

انسان موجودی اجتماعی است

محمول

موضوع

در اینجا محمول و مفهوم موضوع نیست بلکه محمول خصوصیات انسان در عالم خارج را بیان می کند که به انسان، عنوان و مصداق انسان در عالم خارج را معنون گویند

مثال حمل شایع

فعل مبتدا واقع نمی شود.

در اینجا منظور، مصادیق فعل مانند یضرب است که مبتدا

واقع نمی شود

در حالیکه در جمله فوق "فعل" مبتدا واقع شده است پس

"فعل" اشاره به مصادیق دارد

نسب اربعه

تا اینجا هر مقایسه ای که بین الفاظ انجام شده بود بین مفاهیم بود اما در نسب اربعه مقایسه بین مصداق است

در باب قبل، الفاظ به مترادف و متباین تقسیم شدند و منظور از تباین، تباین مفهومی بود. در اینجا مفاهیمی را که متباین هستند از لحاظ مصداق و افراد مقایسه می کنیم که چهار حالت وجود خواهد داشت: تساوی، عموم و خصوص مطلق، عموم و خصوص من وجه و تباین.

نسبت تساوی

نسبت تساوی بین دو مفهومی است که در تمام افرادشان

مشترک هستند

انسان = ضاحک



زیرا هر انسانی ضاحک است و هر ضاحکی انسان است

نسبت عموم و خصوص مطلق

نسبت عموم و خصوص مطلق بین دو مفهومی است که یکی از آن دو بر تمام افراد دیگری و غیر از آن صدق می کند

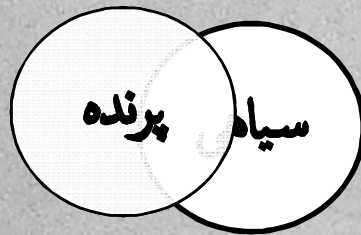


انسان > حیوان

زیرا هر انسانی حیوان است و بعضی حیوانات انسانند و بعضی حیوانات انسان نیستند

نسبت عموم و خصوص من وجه

نسبت عموم و خصوص من وجه بین دو مفهومی است که در بعضی از مصادیق مشترک هستند اما در مصادیق مختص به خود



متفاوتند
پرنده سیاهی

زیرا بعضی پرنده ها سیاه هستند و بعضی از سیاه ها پرنده هستند و بعضی سیاه ها پرنده نیستند و بعضی پرنده ها سیاه نیستند

نسبت تباین

نسبت تباین بین دو مفهومی است که در هیچ یک از مصادیق با هم مشترک نیستند و شامل تمام متقابلان و بعضی از متخالفان خاص می

سنگ

حیوان

سنگ // حیوان

زیر هیچ سنگی حیوان نیست و هیچ حیوانی سنگ نیست.

تشخیص نسب اربعه

آیا هر الف، ب است؟

خیر

آیا بعضی الف ها، ب هستند؟

خیر

تباین

بله

آیا هر ب، الف است؟

خیر

عموم و خصوص
من وجه

بله

عموم و خصوص
مطلق

بله

آیا هر ب، الف است؟

خیر

عموم و خصوص
مطلق

بله

تساوی

توجه شود که در خانه
های آبی جای الف و
ب عوض شده است